

طراحی و اعتباریابی الگوی تربیت توحیدی در دوره نوجوانی از دیدگاه قرآن و روایات

قادر حسین زاده*

احمد سلحشوری**

علی حسینی مهر***

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۲/۲

چکیده

این پژوهش با هدف طراحی و اعتباریابی الگوی تربیت توحیدی بر اساس آموزه‌های قرآن و روایات در دوره نوجوانی انجام گرفت. در راستای دستیابی به هدف پژوهش، از روش ترکیبی، از نوع اکتشافی متوالی استفاده شد. در بخش کیفی پژوهش، از روش تحلیل محتوای استقرایی و در بخش کمی، از روش پیمایشی استفاده گردید. جامعه آماری در بخش کمی تمامی دانش‌آموزان و معلمان مقطع متوسطه شهر کرج بودند. همچنین در بخش کیفی پژوهش جامعه آماری شامل کلیه آیات و روایات، اسناد، مقالات، و کتاب‌ها بودند که به شیوه هدفمند انتخاب شده و مورد تحلیل محتوای استقرایی قرار گرفت. همچنین نمونه آماری مرحله اعتبارسنجی الگو را تعداد ۲۳ نفر از متخصصان تشکیل دادند که به عنوان نمونه هدفمند انتخاب شدند. طبق تحلیل محتوای انجام‌شده، چهار مؤلفه اصلی و ۱۵ زیرمؤلفه برای مؤلفه‌های اصلی استخراج شدند. پس از تحلیل محتوا و استخراج کدها، مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها در قالب الگو ارائه گردید. ابتدا الگوی مفهومی که دربرگیرنده همه این عناصر بود طراحی شد. به منظور بررسی اعتبار درونی الگوی پیشنهادی از پرسشنامه استفاده شد.

کلیدواژگان: اعتبارسنجی، الگوی تربیت توحیدی، دوره نوجوانی، قرآن و روایات.

* دانشجوی دکتری تخصصی رشته فلسفه تعلیم و تربیت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

** دانشیار رشته فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

ah.salahshoor@gmail.com

*** استادیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان، قزوین، ایران.

نویسنده مسئول: احمد سلحشوری

مقدمه

انسان دارای ابعاد وجودی متنوعی است که برای شکوفا شدن و متعالی شدن این ابعاد و استعدادها، احتیاج به تربیت دارد. در این میان تربیت یکی از مهم‌ترین و در عین حال مشکل‌ترین کارها است، و انجام این کار از هدف‌های مهم و والای جوامع بشری و مخصوصاً نظام تعلیم و تربیت بوده است (هالستد و مکافلین، ۲۰۰۵). به عبارت دیگر تحقق هدف آفرینش انسان، تنها در پرتو تعلیم و تربیت میسر است؛ به این منظور، خداوند متعال انسان را به نیروی عقل و ابزار معرفت تجهیز کرد و پیامبرانی را با براهین روشن و احکام و قوانین متین برانگیخت، و رسالت سنگین تعلیم و تربیت انسان را به آنان سپرد. از این رو، تعلیم و تربیت مهم‌ترین بخش تعلیمات و معارف ادیان آسمانی، به ویژه اسلام را تشکیل می‌دهد (صالحی و یاراحمدی، ۱۳۸۷: ۲۴). یکی از مسائل مهم که تعلیم و تربیت معاصر با آن روبه‌رو است، مسأله تربیت توحیدی است (ماتارازو و همکاران، ۲۰۰۸). توحید، مهم‌ترین و جامع‌ترین موضوعی است که قرآن درباره آن به طور گسترده بحث می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۲۳).

قرآن کریم هدف اصلی رسالت پیامبران را دعوت به توحید و یکتایی خدا می‌داند:

﴿قُلْ إِنَّمَا يُوحِي إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَعَلَّ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (انبیاء/۱۰۸)

«بگو: تنها چیزی که به من وحی می‌شود این است که معبود شما خدای یگانه است؛ آیا (با این حال) تسلیم (حق) می‌شوید؟ (و بت‌ها را کنار می‌گذارید؟)»

هرچند همواره از توحید به عنوان غایت تربیت اسلامی نام برده می‌شود (علم الهدی، ۱۳۷۹) اما این مهم در نظام تحقق و عمل یا مورد بدفهمی و کم‌توجهی واقع گردد و یا به انحراف و خطا می‌رود.

به نظر می‌رسد گاهی تربیت اسلامی تنها به انجام پاره‌ای از مناسک، انجام آیین‌ها و آداب ظاهری معنا و تفسیر می‌گردد، و از حقیقت ناب توحیدی فاصله گرفته و تنها پوسته‌ای می‌شود خالی از محتوا و مغز دیانت و تعالی. گاهی نیز در مقام اندیشه به جای تعمق در مفهوم تربیت توحیدی و تدبیر در رابطه انسان با خدا به پاره‌ای از الفاظ صرف فرو کاهیده می‌شود. این در حالی است که استقرار نگرش جامع توحیدی در تربی و

تنظیم جهت گیری او به سوی خدا همواره یکی از مهم ترین دغدغه های پیام آوران الهی و مربیان تربیت دینی بوده و هست:

﴿وَالْهَكْمُ إِلَهُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ (بقره/۱۶۳)

اقدامات عملی انجام شده در نظام تعلیم و تربیت به استقرار نگرش توحیدی در میان نوجوانان منتهی نشده است، و نتیجه این اقدامات منطبق با اهداف قابل استناد به متون اسلامی، یعنی توحید نیست (علم الهدی، ۱۳۷۹). این در حالی است که دوره نوجوانی از مراحل بسیار مهم تحوّل شخصیت و یکی از مهم ترین و حساس ترین مراحل زندگی فرد، به شمار می رود؛ زیرا در همین دوره است که فرد به آگاهی هایی دست می یابد که به شناخت وی از موقعیت اش در جهان منتج می شود (سان و شک، ۲۰۱۳).

به عبارت دیگر نوجوانی دوره ای از ایجاد تغییرات جسمی، شناختی، اجتماعی-عاطفی، محیطی و یک دوره پویا و هیجانی، برای افراد است که شامل افزایش توانایی در تفکر، شروع بلوغ و تغییر در روابط با خانواده، دوستان مدرسه و اجتماع، انتظارات هم سالان، خانواده و جامعه، نقش های خانوادگی، مسئولیت ها، تلاش در جهت کسب نقش های عاطفی و اجتماعی جدید، مدیریت تکالیف زندگی بدون وابستگی بیش از حد به افراد دیگر و ایجاد جهت گیری جدیدی برای آینده به عنوان بزرگسالان مستقل و مولد است (کاجیتسیبسی، ۲۰۱۷). به عبارت دیگر می توان گفت که نوجوانی دوره پیچیده ای از رشد انسان است و در واقع صرف نظر از دوره نوزادی، در هیچ دوره ای از زندگی، تغییراتی به اندازه نوجوانی رخ نمی دهد. این دوره دوره ای است که هم برای تکامل انسان یعنی تکامل معنوی، روحی و عرفانی می تواند سرنوشت ساز باشد، و هم اگر به آن توجه نشود ممکن است منشأ نقطه بروز مشکلات در زندگی انسان باشد (ساندرس، مان فورد، آنوار، لینوگ و اونگار، ۲۰۱۵).

از این رو چگونگی شکل گیری و استقرار نگرش جامع توحیدی در نوجوانان یکی از اساسی ترین چالش ها و مسائل نظام تربیت است؛ زیرا پس از ارائه مطالبی کلی و مقدماتی در باب توحید نظری در مراحل اولیه تربیت و دعوت متربی به انجام امور عبادی به عنوان نماد توحید عملی، در سایر مراحل تربیتی به این اصل اساسی و بنیادین آنچنان که لازم و شایسته است نمی پردازد. در واقع نظام های تعلیم و تربیت به توحید

توجهی نداشته و نسبت به آن غفلت ورزیده‌اند و هدف نهایی آن‌ها رسیدن به رفاه و آسایش بیش‌تر در حیات زمینی انسان‌هاست. نظام تعلیم و تربیت ایران آنچنان که لازم است بر هدف متعالی توحید تأکید نشده است (رازقی، ۱۳۷۹). شاید بسنده نمودن به مراحل سطحی و اولیه توحید ورزی و جایگزینی آن‌ها به جای تربیت ناب توحیدی از رایج‌ترین اشتباهات نظام تربیتی باشد. نظام رایج تربیت به علت عدم تبیین کافی در خصوص مسأله اساسی توحید و عدم موفقیت در برقراری ارتباط و اتصال مناسب میان مباحث تربیتی و مقوله توحید و همچنین عدم تناسب آموزش‌های ارائه شده با ویژگی‌ها، ظرفیت‌ها و ظرافت‌های دوران نوجوانی، به نتیجه مطلوب منتهی نمی‌شود و عمدتاً منجر به شکل‌گیری عقایدی ظاهراً اسلامی اما آمیخته با انواع مختلف شرک آشکار و خفی می‌گردد، و در بعد عملی نیز، فرد از برقراری رابطه توحیدی با خدا و سایر پدیده‌ها و همچنین موقعیت‌ها و شرایط مختلف زندگی بازمی‌ماند.

از این رو خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾ (یوسف / ۱۰۶)

«و بیش‌تر آن‌ها که مدعی ایمان به خدا هستند، مشرک‌اند»

با توجه به اینکه دوران نوجوانی با احساس‌های متناقض، تحریکات فیزیولوژیکی و عواطفی پر تنش همراه است و این دوران حساس، نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری شخصیت آینده فرد دارد و باید تلاش کرد استقرار نگرش جامع توحیدی در نوجوانان و تنظیم جهت‌گیری او به سوی خدا از مدارس آغاز شود، چراکه احتمالاً هیچ دوره تحولی به اندازه دوره نوجوانی موجب سردرگمی والدین، معلمان و متخصصان بالینی نمی‌شود (کار کانیس، کوراس و کوتو، ۲۰۱۷).

در واقع خصیصه فرهنگی انقلاب اسلامی و ظهور اقتضائات و استلزام‌های ناشی از ماهیت ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی ضرورت توجه ریشه‌ای‌تر به مسأله تعلیم و تربیت اسلامی را ایجاب می‌نماید. از این رو ضرورت پرداختن به تربیت توحیدی به عنوان غایت تربیت اسلامی جهت پاسخگویی مناسب به نیازهای نوظهور جامعه اسلامی و استقرار نگرش توحیدی در لایه‌های عمیق‌تر سیستم‌های فرهنگی و اجتماعی، امری اجتناب‌ناپذیر است. در این پژوهش ضمن بررسی جایگاه و نقش توحید در فرایند تربیت

اسلامی با بررسی و کنکاش در آیات و روایات قرآن و نیز سیره تربیتی و روایات ائمه اطهار(ع) به این سؤال پرداخته می‌شود که الگوی مفهومی مناسب تربیت توحیدی بر اساس آموزه‌های قرآن و ائمه اطهار(ع) در دوره نوجوانی دارای چه مؤلفه‌هایی است و چگونه تبیین می‌گردند. این پژوهش در مقام آن است که تربیت توحیدی را در قالب الگویی مفهومی در پیوستاری در مرحله نوجوانی ارائه نماید. برای نیل به این منظور ابتدا با بررسی مبانی انسان شناسی توحید به استخراج اصول عام ناظر بر روند تربیت توحیدی اقدام می‌گردد، سپس با تبیین و بررسی ویژگی‌های شناختی، عاطفی و عملی انسان در دوره نوجوانی، اهداف تربیت توحیدی متناسب با این ویژگی‌ها احصاء و مشخص می‌گردد و با نظر به این ویژگی‌ها و اهداف به استنتاج اصول تربیت توحیدی اقدام می‌گردد و در نهایت نتایج به صورت الگوی مفهومی ارائه می‌گردد. بنابراین برای دستیابی به اهداف پژوهش، سؤال‌های زیر مطرح شد:

۱. مؤلفه‌های اصلی الگوی تربیت توحیدی از دیدگاه قرآن و روایات کدام‌اند؟
۲. آیا الگوی آموزشی تربیت توحیدی برای دانش‌آموزان و نوجوانان مقطع متوسطه از اعتبار درونی برخوردار است؟

پیشینه پژوهش

دلبری(۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «مؤلفه‌های تعلیم و تربیت دینی در قرآن کریم و بازتاب آن در برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی» به تعیین مؤلفه‌های تعلیم و تربیت از طریق تحلیل آموزه‌های قرآن کریم پرداخت، و مؤلفه تعلیم و تربیت دینی بر اساس ساختار وجودی انسان و جایگاه انسان در ساختار و روابط نظام هستی را تعیین می‌کند که عبارت‌اند از «وحدت ذاتی بشر»، «وجود تفاوت‌های فردی»، «اثرگذاری و اثرپذیری»، «خیرطلبی ذاتی»، «ذات یکپارچه خیر»، «ذو ابعاد بودن»، «کرامت ذاتی و اکتسابی انسان»، «حقیقت غیر متعین داشتن»، «شاکله‌های متفاوت اکتسابی»، «عالم بالفعل بودن»، «فقر ذاتی». غلامپور(۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تأثیر بینش توحیدی بر زندگی انسان» به بررسی آثار پذیرش و قبول توحید بر زندگانی انسان پرداخته است، و بیان می‌دارد پذیرش توحید به عنوان یک اعتقاد قلبی بر همه جنبه‌های زندگی انسان

تأثیر می‌گذارد و به تبیین این آثار در سه حوزه اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی می‌پردازد. اکبری (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان توحید عبادی از دیدگاه قرآن و روایات، به بررسی جایگاه ویژه و ممتاز توحیدی عبادی در اسلام پرداخته است. وی ریشه اختلاف‌های درون دینی را به فهم‌های متفاوت از مسأله توحید و شرک عبادی مربوط می‌داند، و معتقد است ترسیم تصویری روشنی از معنای عبادت و توحید نقش مهمی در حل این اختلاف‌ها ایفا می‌کند. رازقی (۱۳۸۶) نیز در پژوهشی با عنوان «تربیت بر مدار توحید» با الهام از سیره و کلام امام علی (ع)، محور دعوت پیامبران الهی را توحید معرفی نموده و توحید عبادی را حد کمال توحید قلمداد می‌نماید و به اهمیت و ضرورت استفاده از طرح‌های ناب توحیدی اشاره می‌کند.

الکاینده و همکاران (۲۰۱۶) مراحل تحول دینی از کودکی تا نوجوانی را به صورت پدیدار شدن چهار نیاز شناختی که متناظر با آن، جنبه‌ای از دین آن نیاز را برآورده می‌سازد، ترسیم می‌کنند و معتقدند که انسان‌ها به طور ذاتی دینی هستند. ایشان معتقدند که در چهارچوب تحول شناختی فرد، نیازهایی پدیدار می‌شود که در هر مرحله دین به آن‌ها پاسخ می‌گوید و بر اساس آن مراحل دینی فرد نیز شکل می‌گیرد. مرحله اول جست‌وجو برای نگهداری نامیده می‌شود که از کودکی شروع می‌شود، و مرحله دوم جست‌وجو برای نمادسازی است که از سال‌های پیش‌دبستانی شروع می‌شود. مرحله سوم و چهارم جست‌وجوی رابطه‌ها و جست‌وجوی درک است. کلمر و فیتزجرالد (۲۰۱۴) بیان نمودند ایمان در این دیدگاه امری شناختی، تحولی و واجد ابعاد معنوی است. ایمان ماهیتی جهان‌شمول دارد و صرفاً دینی نیست. ایمان در ارتباط با دیگران و از جمله موجود قدسی محقق می‌شود و در جست‌وجوی کانون‌های منسجم ارزش و معنا است. سبک‌های ایمان بر اساس تحول سطوح شناختی مشخص می‌شوند. ایمان در قالب کارکرد کشف معنا ساخته می‌شود. سطوح شناختی که سبک‌های ایمان بر اساس آن‌ها تعریف می‌شود عبارت‌اند از نمادها و فهم عرفی، تفکر منطقی و داوری منطقی، تصمیم‌گیری مسئولانه و اعتباربخشی به خود، کشف معنا. چهار سبک ایمان مرتبط با این ابعاد شناختی شامل سبک عرفی، متفکرانه، مسئولانه و معنوی است. ماتارازو و همکاران (۲۰۰۸) مطالعه‌ای تحت عنوان «استدلال و رفتار اخلاقی در نوجوانان» انجام

دادند، در این پژوهش به دنبال دستیابی به این هدف بودند که ۱. تا چه اندازه رفتار و قضاوت اخلاقی وابسته به موقعیت است، ۲. آیا عناصر شناختی و عاطفی رفتار وابسته به یکدیگرند، ۳. آیا قضاوت و رفتار اخلاقی تحت تأثیر سن و جنسیت قرار دارد، ۴. و بالأخره آیا رفتار و قضاوت اخلاقی به صورت متقابل با یکدیگر هماهنگی دارند. در این پژوهش محققان چهار نوع معمای اخلاقی و پنج نوع تفکر برای هر کدام از این معماهای اخلاقی ارائه دادند که نشان دهنده پنج نوع راه ممکن برای ارزیابی موقعیت بود. ملاکها یا معیارهای قضاوت شامل خودخواهی، ایثار، دگر دوستی، حس عدالت، و تعارض و تضاد بین خودخواهی و موضوعات اخلاقی بود. نتایج این تحقیق نشان داد: ۱. استدلال اخلاقی به روش مشابه و به اندازه یکسان به عناصر شناختی و عاطفی وابسته است، ۲. قضاوت و رفتار اخلاقی حداقل تا اندازه‌ای به وسیله نوع موقعیت و متغیرهای بین شخصی همچون جنسیت و سن متأثر است، ۳. قطبیت جنسیتی بین اخلاق عدالت و اخلاق مراقبت و دیگر خواهی وجود ندارد. در این پژوهش استدلال و رفتار اخلاقی به صورت هماهنگی دارای رابطه دوجانبه با یکدیگر بودند. هرچند که میزان هماهنگی استدلال و رفتار اخلاقی، به همراه عینی‌تر شدن اندازه‌گیری‌ها کاهش می‌یافت. به عبارت دیگر هر قدر اندازه‌گیری عینی‌تر و دقیق‌تر صورت می‌گرفت به همان اندازه میزان هماهنگی رفتار و استدلال اخلاقی نیز کاهش می‌یافت.

روش شناسی

با توجه به اینکه برای تحقق اهداف در این پژوهش استفاده از یک روش تحقیق (کمی یا کیفی) به تنهایی کفایت نمی‌کرد، از طرح پژوهش آمیخته (mixed method) استفاده شد. از بین انواع طرح‌های پژوهش آمیخته (مثلث‌سازی) (triangulation)، تودرتو (embedded)، تبیینی (explanatory) و اکتشافی (exploratory)، از طرح اکتشافی استفاده شد. هدف از طرح اکتشافی دومرحله‌ای این است که نتایج روش اول (کیفی) می‌تواند به رشد و گسترش تحقیق کمک کرده، و یا برای دومین روش (کمی) نقش اطلاع دهنده داشته باشد. در بخش کیفی پژوهش، از روش تحلیل محتوای کیفی (qualitative content analysis) با رویکرد استقرایی (qualitative) استفاده شد.

تحلیل محتوا به هر روش استنباطی اطلاق می‌گردد که به صورت منظم و عینی برای تعیین ویژگی‌های پیام‌ها به کار برده می‌شود (دلاور، ۱۳۸۳: ۲۷۵). در واقع تحلیل محتوای کیفی که گاهی آن را تحت عنوان تحلیل محتوای نهفته نیز نام می‌نهند، روشی برای کاستن از داده‌ها و ایجاد معنا از آن‌ها می‌باشد (جالین، ۲۰۰۸: ۱۲۰). در تحلیل محتوای استقرایی، پژوهش‌گر با ارائه و مفروض گرفتن تعریف‌های مشخصی قبل از شروع پژوهش، به مطالعه متون تعیین‌شده می‌پردازد و با مقایسه تعریف‌های از پیش تعیین‌شده و متن‌های مورد تحلیل، به داوری درباره وجود یا عدم مصادیق آن تعریف در متن‌های مورد نظر می‌پردازد. در این روش، با بکارگیری یک تعریف عملیاتی به عنوان کد که بر اساس مباحث نظری به دست آمده است، تحلیل محتوا آغاز می‌شود (فردانش، ۱۳۸۷: ۹).

برای این کار با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی مرتبط با موضوع به مطالعه و کنکاش در قرآن کریم و احادیث و روایات و مقالاتی که در مورد توحید و یگانه پرستی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) مبادرت گردید. همچنین کلیه آیات و روایات، کتب مقطع متوسطه، اسناد بالادستی مثل سند تحول آموزش و پرورش کتاب‌ها، طرح پژوهشی و مقالات موجود در زمینه تربیت توحیدی و تربیت در دوره نوجوانی و آثاری که از سوی اندیشمندان و روان‌شناسان داخلی و خارجی در زمینه نوجوانی، ابعاد و ویژگی‌های این دوره نگاشته شده بود، نیز جزء جامعه آماری این پژوهش بودند. برای نمونه‌گیری، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. در نمونه‌گیری هدفمند، نمونه به خاطر سهولت انتخاب نمی‌شود، بلکه قضاوت‌های پژوهش‌گر بر اساس اطلاعات قبلی او مبنای انتخاب نمونه است (دلاور، ۱۳۹۶). در واقع این نمونه‌گیری تا جایی ادامه پیدا می‌کند که داده‌های جدید، حاوی مطلبی جدید در رابطه با موضوع پژوهش نباشد و به اصطلاح به اشباع نظری رسیده باشیم. سپس به ارائه تعریف توحید و تحلیل مؤلفه‌ها و ابعاد و مراتب آن اقدام گردید. سپس با استفاده از روش تحلیل مفهومی به مفهوم‌پردازی و ارائه تعریفی از تربیت توحیدی مبادرت شد و سیر مراحل توحیدی شدن انسان از منظر قرآن و روایات بررسی و تبیین گردید. در مرحله دیگر نیز با استفاده از روش تحلیل مفهومی و تحلیل فرارونده،

ابعاد وجودی انسان در رابطه با اسماء و صفات الهی و سیر وجودی او به سوی خدا بررسی و با استفاده از مصاحبه با متخصصین امر با استنباط مبانی عام تربیت توحیدی مبادرت گردید و با استفاده از روش استنتاجی، اصول و ملاحظات عام تربیت توحیدی استخراج گردید. در قسمت تحقیق کمی نیز، پس از اینکه الگو با استفاده از روش تحقیق کیفی تدوین شد، با استفاده از روش تحقیق کمی، با استفاده از نظر متخصصان و معلمان به صورت پیمایشی اعتباریابی درونی صورت گرفت.

همچنین در بخش کمی پژوهش، جامعه‌ای که از آن‌ها برای اعتباریابی الگو و مصاحبه استفاده شد شامل اعضای هیأت علمی، دانشجویان دکتری و متخصصان در رشته‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی و همچنین معلمان مقطع متوسطه آموزش و پرورش استان البرز که بر اساس معیارهایی مانند تخصص، تألیفات علمی، مقالات پژوهشی و تجربیات عملی در زمینه موضوع پژوهش بودند، با روش نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۲۳ نفر انتخاب شدند. جهت اجرای مصاحبه ابتدا با مروری بر ادبیات نظری سؤالات کلی و اولیه‌ای تدوین و سپس با افراد (متخصصان و معلمان) مصاحبه به عمل آمد. فرایند اجرای مصاحبه با روش نیمه ساختارمند برگزار و صحبت‌های خود مصاحبه‌شونده می‌تواند مبنایی برای سؤال بعدی قرار گیرد.

جهت اعتباریابی درونی الگو از نظر متخصصان استفاده گردید. از این رو یک پرسشنامه ۹ سؤالی مرتبط با مؤلفه‌های الگو با کمک استادان راهنما و مشاور تهیه گردید و بین متخصصان و معلمان اجرا شد. پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ محاسبه شد. و برای بررسی روایی پرسشنامه اعتباریابی درونی الگوی پیشنهادی از روایی محتوایی استفاده شد. برای بررسی روایی محتوایی پرسشنامه اعتباریابی درونی الگوی پیشنهادی از شاخص نسبت روایی محتوایی استفاده شد: این شاخص توسط لاوشه طراحی شده است. جهت محاسبه این شاخص از نظرات ۱۰ متخصص و عضو هیأت علمی در زمینه الگوی پیشنهادی و محتوای پرسشنامه استفاده شد و با توضیح اهداف پرسشنامه برای آن‌ها، از آن‌ها خواسته شد تا هر یک از سؤالات را بر اساس طیف سه‌بخشی لیکرت «گویه ضروری است»، «گویه مفید است ولی ضروری نیست» و «گویه ضرورتی ندارد» طبقه‌بندی کنند. سپس بر اساس فرمول، نسبت روایی

محتوایی محاسبه شد که در جدول ۴، ارائه شده است. بر اساس تعداد متخصصانی که الگوی پیشنهادی را مورد ارزیابی قرار داده‌اند، حداقل مقدار CVR قابل قبول بر اساس جدول ۳ بایستی باشد. جلساتی که مقدار CVR محاسبه شده برای آن‌ها کم‌تر از میزان مورد نظر با توجه به تعداد متخصصان ارزیابی کننده جلسه باشد، بایستی از برنامه کنار گذاشته شوند به علت اینکه بر اساس شاخص روایی محتوایی، روایی محتوایی قابل قبولی ندارند (لاوشه، ۱۹۷۵).

جدول ۳. روش تعیین میزان CVR قابل قبول بر اساس تعداد متخصصان

حداقل مقدار CVR قابل قبول بر اساس تعداد متخصصان ارزیاب					
تعداد متخصصین	مقدار CVR	تعداد متخصصین	مقدار CVR	تعداد متخصصین	مقدار CVR
۵	۰/۹۹	۱۱	۰/۵۹	۲۵	۰/۳۷
۶	۰/۹۹	۱۲	۰/۵۶	۳۰	۰/۳۳
۷	۰/۹۹	۱۳	۰/۵۴	۳۵	۰/۳۱
۸	۰/۸۵	۱۴	۰/۵۱	۴۰	۰/۲۹
۹	۰/۷۸	۱۵	۰/۴۹		
۱۰	۰/۶۲	۲۰	۰/۴۲		

بر همین اساس شاخص نسبت روایی محتوایی برای اعتباریابی درونی پرسشنامه الگوی پیشنهادی در پژوهش حاضر بر اساس نظر ۱۰ نفر از متخصصان در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. شاخص نسبت روایی محتوایی (CVR) بر اساس نظر متخصصان

گویه‌ها/سئوالات	تعداد متخصصانی که گزینه «ضروری است» را انتخاب کرده‌اند	میزان شاخص روایی محتوایی برای هر سؤال
اول	۱۰	۱
دوم	۹	۰/۸۰
سوم	۹	۰/۸۰
چهارم	۹	۰/۸۰
پنجم	۱۰	۱

ششم	۱۰	۱
هفتم	۹	۰/۸۰
هشتم	۹	۰/۸۰
نهم	۱۰	۱
میزان شاخص روایی محتوایی کل		۰/۸۸

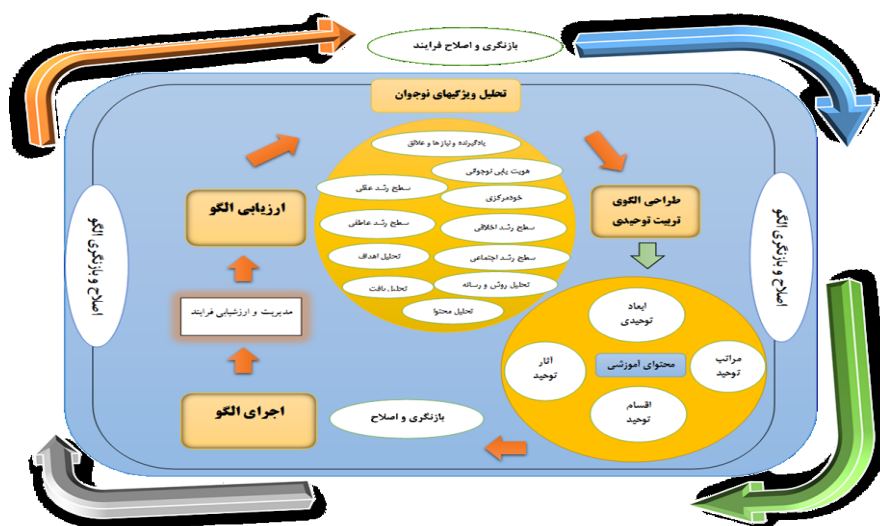
همانطور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد میزان شاخص نسبت روایی محتوایی (CVR) برای پرسشنامه الگوی پیشنهادی ۰/۸۸ به دست آمده است، و با مقایسه این شاخص با مقدار مورد قبول برای تعداد ۱۰ نفر متخصص بر اساس جدول ۳ (که حداقل میزان برای این تعداد متخصص ۰/۶۲ است)، میزان روایی محتوایی الگوی پیشنهادی بالاتر و قابل قبول می‌باشد. در نهایت پرسشنامه‌های تکمیل شده جمع‌آوری و تحلیل شدند و برخی از پیشنهادهای متخصصان اعمال و تغییرات اندکی در الگو ایجاد گردید و سپس الگوی تربیت توحیدی استخراج شد.

در بخش کیفی روش تحلیل داده در جریان گردآوری داده‌ها صورت گرفت. به این صورت که فرایند کدگذاری داده‌ها در جریان گردآوری داده‌ها به اجرا در آمد تا اینکه مشخص شد چه داده‌هایی در مرحله بعد باید گردآوری شود. این امر معمولاً با مشخص کردن مقوله‌های کدگذاری باز (open coding) و استفاده از رویکرد مقایسه‌ای پیوسته (constant comparative approach) برای اشباع مقوله‌ها از طریق مقایسه داده با واقعه‌ها و واقعه‌ها با مقوله‌ها انجام می‌شود (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۹۶). پس از کدگذاری باز، کدگذاری محوری انجام گرفت. بعد از انتخاب موردها برای تحلیل، ابتدا قطعات معنایی بر اساس واحد تحلیل مضمون خوانده شد، سپس برای هر کدام از آنها برچسب یا کدی در نظر گرفته شد. در ادامه کدهای مشابه در یک زیرمقوله جای گرفتند. با رفت و برگشت دائمی بین داده‌ها و کدها در خلال کار تغییر هم می‌کردند. در ادامه روند کار از طریق کنار هم نهادن زیرمقوله‌های مشابه با یکدیگر مقوله‌های اصلی پژوهش آشکار شدند. همچنین در بخش کمی به منظور تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (شامل محاسبه شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی نظیر میانگین، انحراف معیار و نمودارهای توصیفی مربوط به آماره‌ها) و به منظور و برای تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده از اعتباریابی درونی الگو از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

سؤال اول پژوهش: مؤلفه‌های اصلی الگوی تربیت توحیدی از دیدگاه قرآن و روایات کدام‌اند؟

برای پاسخ به این سؤال از روش تحلیل محتوای کیفی استقرایی استفاده شد. ابتدا با بررسی و مطالعه مبانی نظری و آیات و روایات و اسناد مربوط به تربیت توحیدی و دوره نوجوانی واحدهای تحلیل انتخاب گردید. جهت تحلیل محتوا و تکمیل جدول، آیات و روایات، متون اسناد، کتب و مقالات به دقت مورد مطالعه و کدگذاری اولیه صورت گرفت. بعد از انجام کدگذاری باز، در مرحله کدگذاری محوری، کدهای مشترک و مشابه از نظر معنایی طبقه‌بندی شدند. در این پس از طبقه‌بندی کدها، ۱۵ زیرمقوله و ۴ مقوله اصلی شناسایی شد. برای اطمینان از صحت مقوله‌ها و الگوی ترسیم‌شده، این مرحله توسط ۵ نفر از متخصصان مورد بررسی مجدد قرار گرفت و اعتبار اولیه الگو توسط آن‌ها تأیید شد. در این مرحله بر اساس بازخوردهای مناسب متخصصان به‌خصوص استادان راهنما، الگوی اولیه مورد بازنگری قرار گرفته و اصلاحات لازم انجام شد. پس از استخراج مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها، ارتباط بین آن‌ها در تحلیل محتوای کیفی به صورت یک الگو ارائه شده است. این ارتباط در الگو مفهومی ارائه شده است.



شکل ۱. الگوی تربیت توحیدی، دوره نوجوانی از دیدگاه قرآن و روایات

همانگونه که در الگوی مفهومی دیده می‌شود پنج مقوله اصلی (تحلیل دوره نوجوانی، طراحی الگو، اجرای الگو، ارزیابی الگو) در خصوص الگوی تربیت توحیدی برای دانش آموزان و نوجوانان تأثیرگذار هستند که باید مد نظر قرار گیرند. لازم به ذکر می‌باشد که در هر کدام از این مقوله‌ها، بازنگری و اصلاح فرایند و همچنین مدیریت و ارزشیابی فرایند صورت می‌گیرد. این عوامل دارای زیرمؤلفه‌هایی هستند که الگوی تربیت توحیدی دوره نوجوانی از دیدگاه قرآن و روایات را تشکیل می‌دهند.

سؤال دوم پژوهش: آیا الگوی آموزشی تربیت توحیدی برای دانش‌آموزان مقطع متوسطه (نوجوانان) از اعتبار درونی برخوردار است؟

هدف از اعتباریابی درونی الگو، انعکاس نظرات کارشناسان و اصلاح و بهبود الگو است. در این پژوهش برای اعتباریابی الگو از پانل متخصصین استفاده شد. به این صورت که ابتدا روایی صوری الگوی پیشنهادی از نظر اصول طراحی الگو، تناسب و انسجام مؤلفه‌ها، ادراک‌پذیری الگو، ابهام عبارات و یا وجود نارسایی در معانی کلمات با نظرات اساتید راهنما و مشاور مورد بررسی قرار گرفت و اصلاح شد. سپس نسخه اولیه الگو به همراه پرسشنامه اعتباریابی الگو، به منظور بررسی کفایت مؤلفه‌ها و سازمان‌دهی فرایندها به متخصصان ارسال گردید. ابزار اعتباریابی این الگو از پژوهش گایانگ و همکاران (۲۰۱۶) گرفته شد و برای اهداف پژوهشی اصلاح گردید. این پرسشنامه معیارهای تناسب با اصول طراحی، اعتبار، کاربردپذیری، انسجام، جامعیت، نوآوری و مقبولیت این الگو را می‌سنجد. همچنین جهت بررسی کیفی روایی محتوا از متخصصان درخواست شد در قالب سؤال باز پاسخ، دیدگاه‌های اصلاحی خود را به صورت کتبی ارائه نمایند.

پس از نهایی‌سازی پرسشنامه الگوی پیشنهادی، تصاویر الگو به همراه توضیحات عناصر آن در اختیار متخصصین قرار گرفت تا اعتباریابی درونی الگوی پیشنهادی بررسی شود. در این پرسشنامه محقق به صورت هدفمند از متخصصان درخواست کرد که وضعیت هر یک از مؤلفه‌های استخراج‌شده در الگو را در یک طیف لیکرت ۵ درجه ارزیابی کنند. برای تحلیل آماری پاسخ‌های داده‌شده به سؤالات پرسشنامه از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد. دلیل استفاده از این آزمون آماری به این خاطر است که محقق قصد دارد تا میانگین بدست آمده برای هر یک از سؤالات را با میانگین نظری

مورد مقایسه قرار دهد. با توجه به اینکه میانگین نظری برای سؤالات پرسشنامه در دسترس نیست، محقق با توجه به ۵ درجه‌ای بودن پاسخ‌های سؤالات نمره ۳ را به عنوان نمره وضعیت متوسط فرض کرد و نمره مشاهده شده را با این نمره متوسط مورد مقایسه قرار داد. در جدول ۵، آمار توصیفی پاسخ دهندگان به هر یک از سؤالات نظرسنجی از اساتید در ارتباط با الگوی پیشنهادی گزارش شده است.

جدول ۵. آمار توصیفی پاسخ دهندگان به هر یک از سؤالات اعتبار درونی الگوی تربیت

توحیدی

میانگین خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	سؤالات اعتباریابی
.108	.518	4.22	23	تا چه اندازه الگوی پیشنهادی برای طراحی برنامه‌های درسی مبتنی بر تربیت توحیدی برای دانش‌آموزان مناسب است؟
.095	.458	4.13	23	تا چه اندازه پیشنهاد می‌کنید طراحان برنامه‌های درسی از این الگو برای تربیت توحیدی دانش‌آموزان استفاده کنند؟
.098	.470	4.30	23	تا چه اندازه مؤلفه‌های الگوی پیشنهادی تربیت توحیدی مرتبط با آیات و روایات قرآنی هستند؟
.094	.449	4.26	23	تا چه اندازه این الگو می‌تواند در اثربخش کردن محیط یادگیری برای دانش‌آموزان در زمینه تربیت توحیدی به کار رود؟
.129	.619	4.26	23	تا چه اندازه مؤلفه‌های الگوی پیشنهادی مرتبط با موضوع پژوهش و مناسب آموزش به دانش‌آموزان متوسطه و نوجوانان هستند؟
.124	.593	4.48	23	تا چه اندازه چینش و توالی عناصر الگو را مناسب و جامع می‌دانید؟
.094	.449	4.26	23	تا چه اندازه رابطه بین عناصر الگو را مناسب برنامه‌های درسی دوره متوسطه می‌دانید؟

23	4.35	.714	.149	تا چه اندازه این الگو می‌تواند به عنوان یکی از راهکارهای اجرایی برای رسیدن به اهداف کلان در سند تحول بنیادین آموزش پرورش در حوزه تربیت مؤثر و مورد قبول واقع باشد؟
23	4.39	.656	.137	تا چه اندازه این الگو می‌تواند به اشاعه رویکردهای نوین آموزشی در ارتباط با تربیت توحیدی در دوره متوسطه کمک کند؟

همچنین به منظور بررسی این موضوع که آیا میانگین پاسخ‌های نظر دهندگان به هر سؤال به طور معناداری بالاتر از میانگین نمرات در هر سؤال می‌باشد یا خیر از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده و نتایج به شرح جدول ۳، ارائه شده است. در استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای نمره میانگین مشاهده شده برابر با نمره ۳ (نمره متوسط) در نظر گرفته شد.

جدول ۶. آزمون تی تک نمونه برای مقایسه نمرات میانگین با میانگین متوسط

مقدار نظری ۲/۵				سؤال
تفاوت میانگین	سطح معنی داری	df	t	
1.717	.000	22	15.887	۱. تا چه اندازه الگوی پیشنهادی برای طراحی برنامه‌های درسی مبتنی بر تربیت توحیدی برای دانش‌آموزان مناسب است؟
1.630	.000	22	17.084	۲. تا چه اندازه پیشنهاد می‌کنید طراحان برنامه‌های درسی از این الگو برای تربیت توحیدی دانش‌آموزان استفاده کنند؟
1.804	.000	22	18.393	۳. تا چه اندازه مؤلفه‌های الگوی پیشنهادی تربیت توحیدی مرتبط با آیات و روایات قرآنی هستند؟
1.761	.000	22	18.809	۴. تا چه اندازه این الگو می‌تواند در اثربخش کردن محیط یادگیری برای دانش‌آموزان در زمینه تربیت توحیدی به کار رود؟

1.761	.000	22	13.638	۵. تا چه اندازه مؤلفه‌های الگوی پیشنهادی مرتبط با موضوع پژوهش و مناسب آموزش به دانش‌آموزان متوسطه و نوجوانان هستند؟
1.978	.000	22	15.996	۶. تا چه اندازه چینش و توالی عناصر الگو را مناسب و جامع می‌دانید؟
1.761	.000	22	18.809	۷. تا چه اندازه رابطه بین عناصر الگو را مناسب برنامه‌های درسی دوره متوسطه می‌دانید؟
1.848	.000	22	12.411	۸. تا چه اندازه این الگو می‌تواند به عنوان یکی از راهکارهای اجرایی برای رسیدن به اهداف کلان در سند تحول بنیادین آموزش پرورش در حوزه تربیت مؤثر و مورد قبول واقع باشد؟
1.891	.000	22	13.819	۹. تا چه اندازه این الگو می‌تواند به اشاعه رویکردهای نوین آموزشی در ارتباط با تربیت توحیدی در دوره متوسطه کمک کند؟

با توجه به نتایج گزارش شده در جدول ۶، مشخص است که اندازه آزمون تی برای همه سؤالات مثبت و معنی‌دار است. این نتیجه دال بر این است که الگوی تربیت توحیدی برای دوره نوجوانی با توجه به آیات و روایات از نظر متخصصان از معیارهای کافی برخوردار است، چراکه از نظر آماری اختلاف معنی‌داری بین نمره مشاهده شده با نمره متوسط وجود دارد.

نتیجه بحث

این پژوهش با هدف طراحی و اعتبارسنجی الگوی تربیت توحیدی بر اساس آموزه‌های قرآن و روایات در دوره نوجوانی انجام گرفت. در راستای دستیابی به هدف پژوهش، از روش ترکیبی، از نوع اکتشافی متوالی استفاده شد. در بخش کیفی پژوهش، از روش تحلیل محتوای استقرایی و در بخش کمی، از روش پیمایشی استفاده گردید.

یافته‌های حاصل از سؤال اول پژوهش منجر به تدوین الگوی مفهومی برای کاربرد الگوی تربیت توحیدی برای دانش‌آموزان مقطع متوسطه شد. همانگونه که در الگوی مفهومی مشاهده شد می‌شود پنج مقوله اصلی (تحلیل دوره نوجوانی، طراحی الگو، اجرای الگو، ارزیابی الگو) در خصوص الگوی تربیت توحیدی برای دانش‌آموزان و نوجوانان تأثیرگذار هستند که باید مد نظر قرار گیرند. لازم به ذکر می‌باشد که در هر کدام از این مقوله‌ها، بازنگری و اصلاح فرایند و همچنین مدیریت و ارزشیابی فرایند صورت می‌گیرد.

اولین عنصر از مرحله طراحی الگوی تربیت توحیدی برای نوجوانان، عنصر تحلیل نیازهای یادگیرندگان و نوجوانان است. تحلیل، فعالیت ذهنی که هدف‌اش تحلیل و تجزیه یک مسأله به مقدمات و عناصر و یا اجرای منطقی آن و آزمایش مفصل آن‌ها است (نوروزی و ولایتی، ۱۳۹۷: ۳۳). در نظر گرفتن ویژگی‌ها و نیازهای یادگیرندگان (نوجوانی) می‌تواند بر تمامی مراحل تربیت تأثیرگذار باشد، به همین دلیل در اولین مرحله از تربیت و قبل از تعیین هدف‌ها به آن پرداخته می‌شود. در واقع نوجوانی دوره پیچیده‌ای از رشد انسان است و در واقع صرف نظر از دوره نوزادی، در هیچ دوره‌ای از زندگی، تغییراتی به اندازه نوجوانی رخ نمی‌دهد. این دوره هم برای تکامل انسان یعنی تکامل معنوی، روحی و عرفانی می‌تواند سرنوشت ساز باشد و هم اگر به آن توجه نشود ممکن است منشأ نقطه بروز مشکلات در زندگی انسان باشد (ساندرس، مان فورد، آنوار، لینگ و اونگار، ۲۰۱۵). در واقع دوره نوجوانی، دوره‌ای از ایجاد تغییرات جسمی، شناختی، اجتماعی-عاطفی، محیطی و یک دوره پویا و هیجانی، برای افراد است که شامل افزایش توانایی در تفکر، شروع بلوغ و تغییر در روابط با خانواده، دوستان مدرسه و اجتماع، انتظارات هم‌سالان، خانواده و جامعه، نقش‌های خانوادگی، مسئولیت‌ها، تلاش در جهت کسب نقش‌های عاطفی و اجتماعی جدید، مدیریت تکالیف زندگی و ایجاد جهت‌گیری جدیدی برای آینده به عنوان بزرگسالان مستقل است (کاجیتسیباسی، ۲۰۱۷).

از مهم‌ترین ویژگی‌های دوره نوجوانی که برای استخراج الگوی تربیت توحیدی تأثیرگذار هستند، عبارت‌اند از نیازها و علائق نوجوان، هویت‌یابی نوجوانی، سطح رشد اخلاقی، سطح رشد اجتماعی، سطح رشد عقلی (شناختی)، سطح رشد عاطفی و هیجانی. دومین عنصر از مرحله طراحی الگوی تربیت توحیدی برای نوجوانان، عنصر طراحی الگو

است. فرایند طراحی دربرگیرنده مراحل مستقل شامل تحلیل یادگیرنده، محتوا و اهداف، طراحی اهداف، انتخاب راهبردها و ابزارهای ارزشیابی، تولید مواد آموزشی و ارزشیابی عملکرد یادگیرنده و سنجش اثربخشی الگوی آموزشی است (رایگلو، ۲۰۱۳).

طراحی الگوی تربیت توحیدی برای دوره نوجوانی شامل ۴ مرحله (ابعاد توحیدی، مراتب توحیدی، اقسام توحیدی و آثار توحیدی) می‌باشد. سومین عنصر از مرحله طراحی الگوی تربیت توحیدی برای نوجوانان، عنصر اجرای الگو است. مرحله اجرا شامل اجرای راهبردهای یاددهی و یادگیری به وسیله الگوی تربیت توحیدی در سایه عوامل پشتیبانی کننده یادگیری یعنی تعامل، مشارکت و فراخوانی عملکرد و بازخورد است. در این مرحله تمامی ملاحظات آموزشی نوجوانان و ویژگی‌های آن‌ها در نظر گرفته شده است. چهارمین عنصر از مرحله طراحی الگوی تربیت توحیدی برای نوجوانان، عنصر ارزیابی الگو است. در نهایت مرحله ارزیابی شامل ارزشیابی پایانی، خود ارزیابی و سنجش رضایت نوجوان از الگوی پیشنهادی تربیت توحیدی است که تکمیل کننده فعالیت‌های آموزشی است. نتایج حاصل از ارزشیابی علاوه بر یافتن مشکلات احتمالی، باید به طراحی مجدد و اصلاح الگو کمک کنند. ارزشیابی بخش جدایی ناپذیر و ضروری در تمام آموزش‌ها و یکی از مؤلفه‌های اساسی الگوهای آموزشی است که از طریق آن تدوین برنامه، اجرای برنامه و در نهایت دستاوردهای برنامه مورد بررسی و قضاوت قرار می‌گیرد تا زمینه بهبود آن فراهم شود. این مؤلفه در الگوهای آموزشی و آثار پژوهش‌گرانی چون اسمیت و راگان، مرینبور، فان زوندت و آنسل مورد تأکید قرار گرفته است. ارزشیابی فعالیت‌های تربیتی، ضروری است. ارزشیابی به ما امکان می‌دهد پیشرفت فراگیر و کیفیت و تأثیرگذاری دوره، را ارزشیابی نماییم و فعالیت‌های آموزشی و محتوای آتی را ارتقا دهیم. نتایج حاصل از سؤال دوم پژوهش (نتایج گزارش شده در جدول ۳) نشان داد که اندازه آزمون تی برای همه سؤالات مثبت و معنی‌دار است. این نتیجه دال بر این است که الگوی تربیت توحیدی برای دوره نوجوانی با توجه به آیات و روایات از نظر متخصصان از معیارهای کافی برخوردار است، چراکه از نظر آماری اختلاف معنی‌داری بین نمره مشاهده شده با نمره متوسط وجود دارد. به عبارت دیگر، الگوی پیشنهادی از اعتبار درونی بالایی برخوردار است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که آموزش و پرورش به

عنوان یکی از نهادهای مهم اجتماعی نقش زیادی را می‌تواند در زمینه تربیت توحیدی ایفا کند. گنجاندن واحدهای درسی با عنوان تربیت توحیدی در مقطع متوسطه با توجه به اصل مرحله‌ای بودن رشد و متناسب با سن آنان؛ استفاده از ظرفیت رسانه‌های آموزشی و تربیتی، به‌ویژه رسانه ملی در راستای آگاهی بخشی آحاد جامعه و به‌ویژه مسئولین و متولیان دخیل و مؤثر در زمینه تربیت توحیدی؛ ضرورت توجه و تأکید بر تربیت توحیدی در فرایند تربیت توسط مربیان و تجدید نظر در محتوا و شیوه ارائه دروس مربوط به معرفی خدا در دوره متوسطه متناسب با اقتضائات شناختی، عاطفی و عملی دانش آموز و همچنین برگزاری کارگاه‌های آموزشی ویژه مربیان مدارس در جهت آشنا کردن و بازآموزی مطالب مرتبط با اهداف، اصول و روش‌های تربیت توحیدی در قرآن و نحوه بکارگیری آن‌ها می‌توان شاهد افق‌های جدیدی در فرایند تعلیم و تربیت کشورمان بود. در پایان بر خود لازم می‌دانم از تمامی دانش‌آموزان، معلمان و متخصصانی که در این طرح ما را یاری نمودند کمال تشکر را داشته باشم.

کتابنامه

قرآن کریم

- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۳ش، *توحید در قرآن*، قم: انتشارات اسراء.
- دلاور، علی. ۱۳۸۳ش، *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، تهران: ویرایش.
- دلاور، علی. ۱۳۹۶ش، *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، تهران: ویرایش.
- سرمد، زهره، بازرگان، عباس و حجازی، الهه. ۱۳۹۶ش، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: آگه.

کتاب انگلیسی

- Halstead, J. M., & McLaughlin, T. H. (Eds.). (2005). *Education in morality*. Routledge.
- Julien, H. (2008). *Content Analysis*. In Give. LM.
- Kagitcibasi, C. (2017). *Family, self, and human development across cultures: Theory and applications*. Routledge.
- Reigeluth, C. M. (Ed.). (2013). *Instructional design theories and models: An overview of their current status*. Routledge.

مقالات

- اکبری، احمد. ۱۳۸۸ش، پایان نامه «*توحید عبادی در قرآن و روایات*»، قم: دانشکده علوم و حدیث.
- صالحی، اکبر و مصطفی یاراحمدی. ۱۳۸۷ش، «*تبیین تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبایی با تأکید بر هدف‌ها و روش‌های تربیتی*»، *دوفصلنامه تربیت اسلامی*، سال سوم، شماره ۷، صص ۲۳-۵۰.
- علم الهدی، جمیله. ۱۳۷۹ش، «*غایت‌شناسی تربیت علوی*»، *مجموعه مقالات تربیت در سیره و کلام امام علی(ع)*، تهران، صص ۱۶۲-۱۳۴.
- علم الهدی، جمیله. ۱۳۸۱ش، پایان نامه «*تبیین تعلیم و تربیت اسلامی و دلالت‌های آن برای برنامه درسی*»، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- علم الهدی، جمیله. ۱۳۸۳ش، «*جنسیت در تربیت اسلامی*»، *فصلنامه پژوهش‌های تربیت اسلامی*، شماره ۸، صص ۹۲-۵۹.
- غلامپور، سمیه. ۱۳۹۲ش، پایان نامه «*تأثیر بینش توحیدی بر زندگی انسان*»، تهران: دانشکده اصول دین.
- فردانش، هاشم. ۱۳۸۷ش، «*طبقه‌بندی الگوهای طراحی سازنده گرا بر اساس رویکردهای یادگیری و تدریس*»، *مطالعات روان‌شناسی و تربیتی دانشگاه فردوسی*، ۹(۲)، صص ۲۱-۵.

Bibliography

- Sun, R. C., & Shek, D. T. (2013). Longitudinal influences of positive youth development and life satisfaction on problem behaviour among adolescents in Hong Kong. *Social Indicators Research*, 114(3), 1171-1197.
- Sanders, J., Munford, R., Thimasarn-Anwar, T., Liebenberg, L., & Ungar, M. (2015). The role of positive youth development practices in building resilience and enhancing wellbeing for at-risk youth. *Child abuse & neglect*, 42, 40-53.
- Karkanis, A., Kouros, J., & Kotta, D. (2017). Erratum to: Family support & substance abuse during puberty. *Annals of general psychiatry*, 16(1), 5.
- Elkind, D. (2016). The origins of religion in the child. *Review of religious research*, 35-42.
- Clore, V., & Fitzgerald, J. (2014). Intentional faith: An alternative view of faith development. *Journal of Adult Development*, 9(2), 97-107.
- Gayoung, L. E. E., Sunyoung, K. E. U. M., Myungsun, K. I. M., Yoomi, C. H. O. I., & Ilju, R. H. A. (2016). A Study on the Development of a MOOC design Model. *Educational Technology International*, 17(1), 1-37.
- Matarazzo, O., Abbamonte, L., & Nigro, G. (2008, August). Moral reasoning and behaviour in adulthood. In *Proceedings of world Academy of Science Engineering and Technology (Vol)*.

Planning and Accreditation Towhidi Education Pattern in Youth Era from Quran and Traditions Viewpoint

Qader Hossein Zadeh: PhD Candidate, Philosophy of Education, Islamic Azad University, Science & Research Branch, Tehran

Ahmad Salahshouri: Associate Professor, Philosophy of Education, Allameh Tabatabaei University, Tehran

Ali Hosseini Mehr: Assistant Professor, Human Sciences, Islamic Azad University, Takestan Branch, Qazvin

Abstract

The present research aiming planning and accreditation Towhidi education pattern based on Quran and traditions' learnings in the youth era. In order to achieve the research's goal, complex method – sequential discovering type – is applied. For the qualitative part (of the research), inductive content analysis is implemented and for the quantitative part, survey research method is applied. Statistical population in the quantitative part is all high school students and teachers of Karaj; for the qualitative part the statistical population is all Verses, documents, traditions, articles and books which were selected purposefully and were researched inductively. Elements and sub – elements are presented in the pattern frame followed by content analysis and codes recognition. Conceptual pattern in which contains all elements was designed initially. A questionnaire has been applied to study the internal validity.

Keywords: accreditation, Towhidi education pattern, youth era, Quran and traditions.